

# شاه‌شاهی کاخ چهلستون قزوین و کاخ‌های دیگر صفوی

## ارضال منطومہ عبدی بک شیرازی

دکتر احسان اشراقی

هنگامی که آبادان بود هفت درب ورودی داشت که یکی از آنها موسوم به عالی‌قاپی و درب دیگر «درب میدان اسب» یا آت میدان نامیده میشد که در واقع میدان اخیر محوطه چوگان‌بازی بوده است. امروز از کاخ‌های شاهی به جز سردرب عمارت عالی‌قاپی که درب ورودی شهر بانی قزوین است و عمارت چهل ستون که زمانی ساختمان فرمانداری و امروز محل موزه شهر است چیز دیگری باقی نمانده است.

عمارت چهلستون یا کلاه فرنگی که در زمان شاه تهماسب در شمال مجموعه کاخ‌های سلطنتی قرار داشت، اغلب محل پذیرایی شخصیت‌های مهم خارجی بود که در زمان این پادشاه و پادشاهان دیگر خصوصاً شاه‌عباس اول به‌دربار دولت صفوی می‌آمدند و تفصیل این پذیرایی‌ها در کتب تاریخی آن زمان و نوشته‌های سیاحان اروپایی آمده است.<sup>۱</sup>

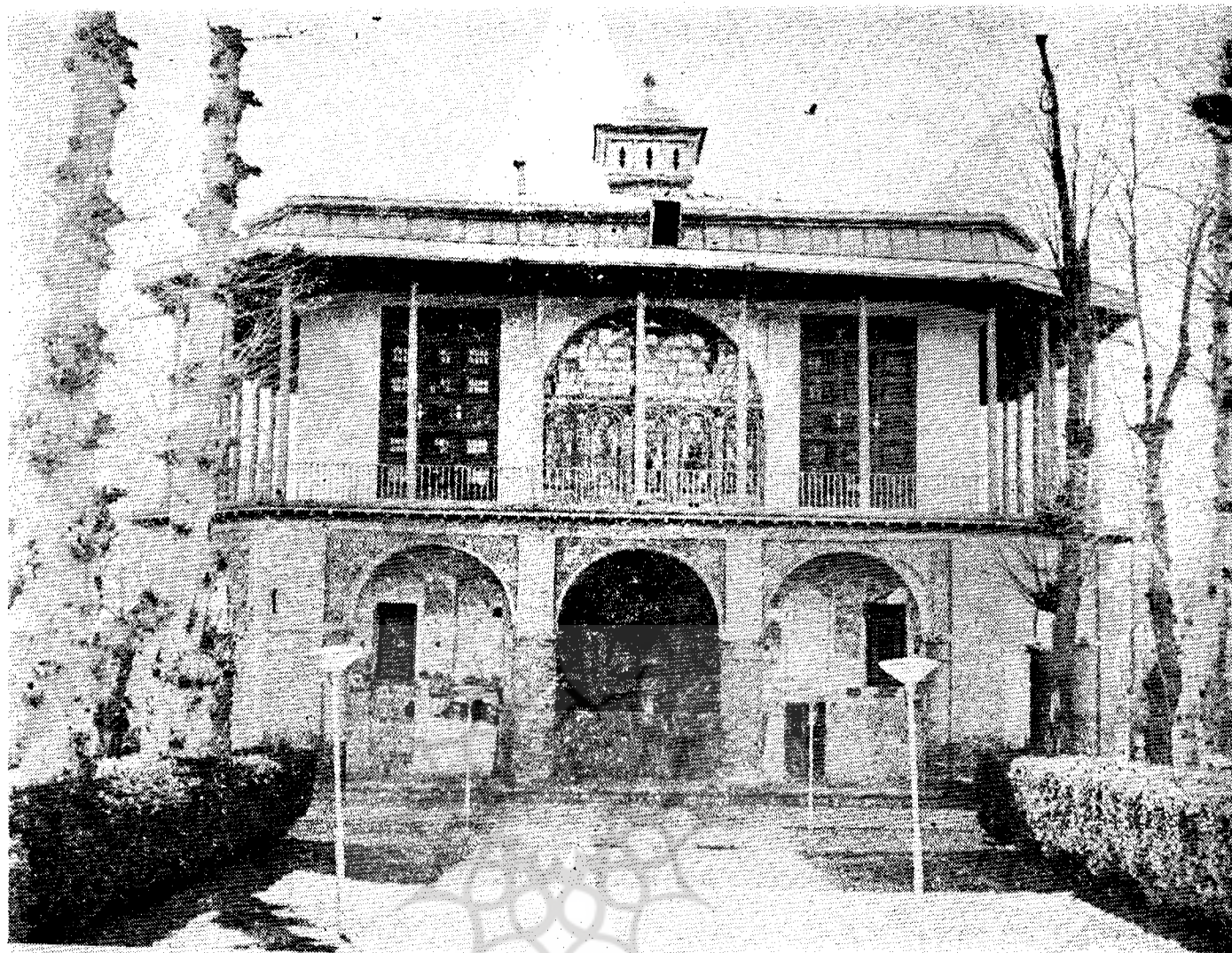
پیترو دل‌اواله که از این عمارت و باغ زیبای آن در ۱۰۲۸ قمری بازدید کرده و میهمان شاه‌عباس بزرگ بود می‌نویسد: خیابان‌های باغ بسیار عریض و تاجش کار می‌کند کشیده است و در اطراف هر یک آب روان در جویبارها می‌غلند... در میان باغ عمارت کوچکی با چند اطاق برپا کرده‌اند. در مقابل این عمارت استخر بزرگ چهارگوشی است و در یکی از اضلاع آن مقابل عمارت نشستگاهی مسقف ساخته‌اند که چون شبهه - جزیره‌ای در استخر پیش آمده و از سه جانب مشرف بر آب است. سقف این محل کوچک را فقط بر چهارستون قرار داده‌اند چنانکه اطراف آن باز و برای جریان هوا آزادست ولی زیر

پس از جنگ چالداران (۹۲۰ هجری قمری)، شهر قزوین به علت بعد مسافت نسبت به مرزهای عثمانی و موقعیت مهمی که بر سر راه‌های ارتباطی داشت مورد توجه قرار گرفت و رفته رفته به صورت پایتخت دوم صفویه درآمد، اما انتقال پایتخت بطور قطع در سال ۹۶۲ هجری، در سی و دومین سال سلطنت شاه تهماسب اول صورت گرفت. درین سال پادشاه صفوی که از جنگ‌های طولانی با عثمانیان فراغت یافته آذربایجان را نیز جای امنی برای مقرر دولت خویش نمی‌یافت یکسره پایتخت را به قزوین منتقل نمود.

مقدمات انتقال پایتخت از سال ۹۵۱ آغاز گردید و در این سال بود که شاه اراضی موسوم به (زنگی‌آباد) را از میرزا شرف جهان که از بزرگان و معتمدان قزوین بود خریداری کرد و سپس معماران برگزیده کشور را فرا خوانده و فرمان داد تا باغی به شکل مربع بسازند و در وسط آن باغ عمارات عالی و تالارها و ایوانها و حوضها به وجود آورند و سطح باغ را به گذرهای مربع و چمن‌های مثلث و شش‌گوش قسمت کنند و از وسط خیابان نهری بزرگ جاری سازند و کناره‌های آن نهر را با درختان و بوته‌های گل بپارایند.<sup>۱</sup>

این باغ را در آن زمان به فرمان شاه تهماسب سعادت‌آباد نامیدند و کاخ‌های سلطنتی و عمارات دیگری که به وسیله امیران و اعیان دولت صفوی ساخته شد در محوطه این باغ عظیم قرار داشت.

مجموعه عمارات شاهی به مرور زمان تکمیل گردید و



عمارت چهل ستون قزوین

و به جز اندکی باقی نمانده است. اما آنچه از مطالعه دیوان عبدی بیگ شیرازی شاعر و مورخ زمان شاه تهماسب کاملاً روشن می‌شود و به کشف يك حقیقت تاریخی کمک فراوان می‌کند اینست که وی نام تعداد زیادی از کاخها و باغها را که در آن زمان به فرمان پادشاه صفوی و یا امرای دربار او ایجاد شده و ناشناخته باقی مانده اند در آورده و ما را به دقایق آنها آشنا می‌کند و از سوی دیگر شرح تمام نقاشیهایی که کاخ‌های شاهی

آن سقف جای وسیعی نیست و تنها اشخاص معدودی می‌توانند در آنجا از هوای خنک و فرح بخش باغ استفاده کنند.<sup>۱</sup> ساختمانی که امروز از کاخهای سلطنتی باقی مانده بر اساس قرائن تاریخی همین عمارت کلاه فرنگی است بین خیابان پهلوی و خیابان پیغمبریه و خیابان فردوسی که قبلاً به جای عماراتی که در اطراف آن ساخته‌اند باغ وسیعی وجود داشت. این عمارت دو طبقه است که بوسیله پلکانی مارپیچ به یکدیگر متصل می‌شوند. دیوارهای داخلی این عمارت که منقش به مینیاتورهای زیبایی از دوران صفویه بود در ادوار بعدی مانند دیوارهای عمارت عالی قاپوی اصفهان در اندودی از گچ پوشیده شد و چون احتمال میرفت شواهد زنده‌ای از نقاشی‌های روزگار صفویه به دست آید از سال‌ها قبل به برداشتن گچ‌های دیوارها اقدام شد و همانطور که حدس زده می‌شد نقش و نگارهایی از زیر گچ پیدا شد لکن این نقشهای زیبا بمرور ایام از بین رفته

۱ - قاضی احمد قمی : خلاصه التواریخ نسخه خطی کتابخانه موزه ایران باستان صفحه ۲۲۸ .  
 ۲ - اسکندربیک ترکمان : عالم‌آرای عباسی تصحیح ایرج افشار : صفحات ۱۵۶، ۱۵۸، ۵۳۲، ۵۲۸ - شاردن : سفرنامه جلد سوم صفحه ۳۵-  
 پیترودلاواله : سفرنامه، ترجمه شجاع‌الدین شفا صفحه ۲۹۱.  
 ۳ - سفرنامه پیترودلاواله : مکتوب پنجم ۱۶۱۹ (۱۲۰۸ هجری قمری).

را زینت می‌داده است می‌دهد و مانند اینست که امروز همه آنها وجود دارند و انسان از نزدیک آنها را مشاهده می‌کند.

توصیف‌کننده این عمارات و نقاشی‌های آنها یعنی عبدی بیگ شیرازی یکی از پیروان مکتب ادبی نظامی گنجوی بوده است. وی در ۹۲۱ هجری قمری در شهر تبریز متولد شد در کودکی نزد شیخ علی بن عبدالعالی که یکی از فضایل نام‌آور زمان بود به تحصیل اشتغال ورزید و در سال ۹۲۷ هجری پس از وفات پدرش عبدالمومن دست از تحصیل بازکشید و در دفترخانه همایونی به شغل سیاق‌داری پرداخت و در عین حال به فعالیت ادبی که آن را از آغاز جوانی شروع کرده بود ادامه داد و برای خود ابتدا تخلص نویدی و سپس عبدی را انتخاب نمود و مجموع اشعار خود را در سه دیوان جمع‌آوری کرد که بیشتر آن امروز در دست است و چند نسخه خطی اشعار و آثار او در کتابخانه‌های شهرهای باکو لنینگراد و لندن و تهران نگهداری میشود که عبارتند از:

مظهر الاسرار - جام جمشیدی - هفت اختر - مجنون و لیلی - آئین سکندری - جوهر فرد - دفتر درد - فردوس العارفین انوار تجلی - خزان ملکوت - روضة الصفات - دوحه الاسرار - جنة الاثمار - زینت الاوراق - صحیفه الاخلاص<sup>۴</sup> و گذشته از اینها دو اثر بسیار ارزنده نثر بنام صریح‌الملک و تکملة الاخبار از عبدی بیگ باقی مانده است که صریح‌الملک دفتر کاملی است از امور اوقافی خانقاه اردبیل که از اسناد مهم اجتماعی و اقتصادی دوران صفوی است و تکملة الاخبار کتابی است در تاریخ عمومی که بخش آخر آن در تاریخ زندگی شاه تهماسب اول است و مؤلف این کتاب را به پریخان خانم دختر شاه تهماسب که بانویی مقتدر و کاردان بود تقدیم کرده است.

در سال ۹۵۱ هجری قمری که پادشاه صفوی طرح ایجاد جعفرآباد و تمرکز کاخ‌های شاهی و منازل امیران و اعیان دولت و باغهای منضم به آنها را ریخت، و استادان معمار و صنعتگران و نقاشان چیره‌دست را از هر سوی کشور فراهم آورد تا در کار ساختن و تزئین این بناها شرکت کنند، عبدی بیگ شیرازی که در آن هنگام به شاعری و نویسندگی شهرت یافته بود از طرف شاه مأموریت یافت عمارات و کاخها و باغها و خیابان‌های جعفرآباد و سعادت‌آباد و تزئینات و نقاشی‌هایی را که در عمارات شاهی به وجود آمده بود در اشعاری توصیف کند و شاعر نیز در دو اثر خود به نام‌های: دوحه الازهار و روضة الصفات که از آثار خمسه سوم<sup>۵</sup> اوست به شرح و وصف این ابداعات پرداخت چنانکه خود گوید:

امر تو ام ریخت خرد در دماغ

تا بکنم وصف خیابان و باغ

کلك هنر پیشه گرفتم به دست

تا بکنم وصف بدینسان که هست

از تو به فرمان علم افراختن

وز من جانبار به سر تاختن

مطالبی که در روضة الصفات آمده است مربوط به توصیف کاخها و عمارات و باغهای شرقی و غربی ایوان شاهی و موضوع دوحه الازهار شرح خیابان‌ها و باغها و عمارات شاهی و مجالس نقاشی آنها است. شاعر در شرح نقاشی‌های دیواری کاخ‌شاهی چهل ستون قزوین و خانه موسوم به شیروانی که متعلق به بهرام میرزا برادر شاه تهماسب بود و کاخ‌های دیگر، اشکال تذهیب و طرحهای مشهور نقاشی آن زمان را با دقتی خاص بیان می‌کند و عناصر تشکیل‌دهنده مجموعه نقاشیها را که از اشکال زیبای پرندگان و جانوران وحشی به وجود آمده و نقاشی‌هایی که از آثار شرعی کلاسیک ایران خصوصاً نظامی الهام گرفته است وصف می‌کند و این توصیف منعی است راهنما برای شناخت هنر نقاشی قرن دهم هجری ایران و راه‌گشایی ارزنده برای هنرمندان و هنرشناسان<sup>۶</sup>. عناصری که در نقاشیها و شرح جزئیات عمارات شاهی خصوصاً ایوان چهل ستون مشخص می‌شود بطور کلی دارای مطالب زیر است:

۱ - سبک معماری و کیفیت بنا و مشخصات ستونها و درها و پنجره‌ها، طرز خیابان‌بندی، جدول‌بندی، حاشیه، دیوار و کنگره و مانند آن.

۲ - شرح و توصیف باغها و بستانها و ذکر نام گلها مانند ارغوان، بنفشه، قرنفل، یاسمن، گل‌نار، خنمی، نرگس، خیری، بستان افروز، لاله، سوسن و درختان مانند: بید و بیدمجنون، سرو، چنار، سفیدار، مشک‌بید، صنوبر، سیب، گلابی، گیلاس، نخل، شفتالو، آلوی سیاه، بادام عناب، انار، سنجد، پسته، فندق، توت و انجیر.

۳ - نام حیوانات مانند: شیر، گوزن، گاو، غزال، روپاه، عقاب، باز، شاهین، تذرو، کبک، دراج، بط، کنگک، قرقاول، سیمرغ، بلبل، قمری، آهو و سایر طیور و وحوش.

۴ - صحنه‌های نقاشی و معرفی موضوع آنها همچون صحنه‌های عاشقانه و بزم و رزم و شکار و مجالسی از اشعار نظامی گنجوی.

۵ - اماکن و جایهای مشهور دارالسلطنه همچون جعفرآباد، سعادت‌آباد، میدان اسب، خیابان، باغ میرعلی کسنگی، باغ

۴ - مقدمه هفت اختر عبدی بیگ به قلم ابوالفضل هاشم‌اوغلی رحیموف چاپ مسکو ۱۹۷۴.

۵ - خمسه سوم عبدی بیگ شامل مثنویهایی به ترتیب زیر است: روضة الصفات - دوحه الازهار - جنة الاثمار - زینت الاوراق - صحیفه الاخلاص.

۶ - ر. ک. به مقدمه روضة الصفات عبدی بیگ چاپ مسکو ۱۹۷۴.

۹ - عناصر ساختمانی چون : ایوان ، برج ، تالار ، رواق ، شیروانی ، شیشه‌زرد ، صدف ، طاق ، کنگره ، گنبد ، محراب ، مدور (سقف) ، مشبك ، مقرنس ، مقوس ، منبت ، هفت ایوان و هلالی .

۱۰ - ابزارها مانند: پرگار، تفنگ، نیشه، زیرمشق (تخته زیر مشق) و فانوس .

۱۱ - بازیها و ورزشها مانند: چوگان بازی ، قهق اندازی ، سواری ، شکار و فلاخن اندازی .

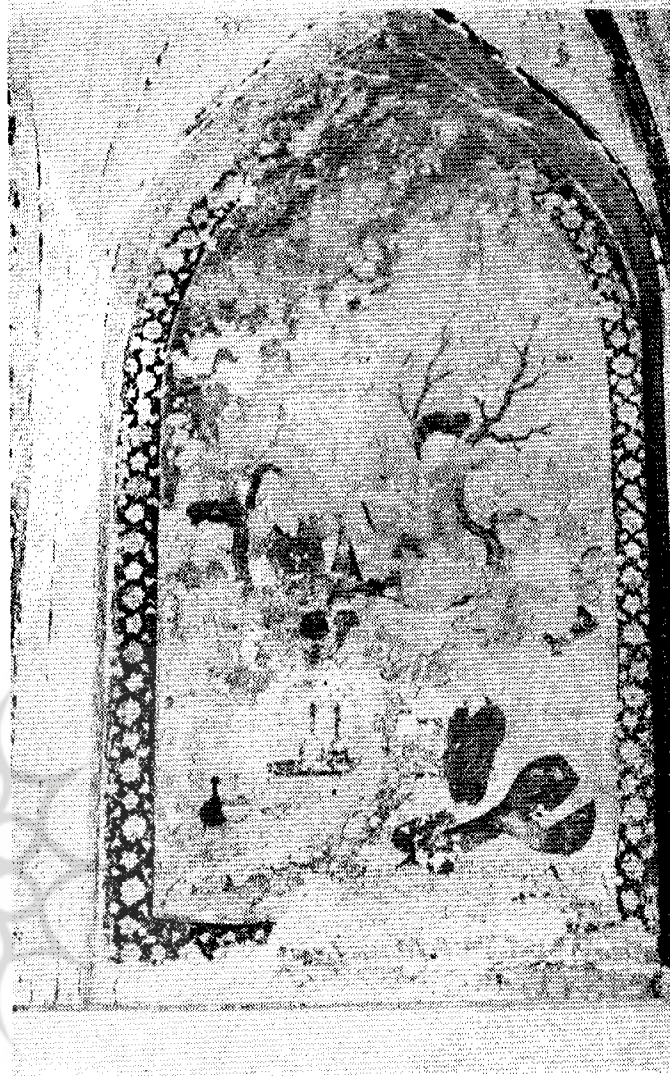
۱۲ - سبکهای نقاشی و طرحها و عناصر گوناگون تصویر مانند : اسلیمی ، ختائی ، ابری ، بند رومی ، فرنگی ، فصالی ، جدول ، شمسه ، شرفه ، زرافشان و مانند آن ۷ .

اینک با توجه به توصیف عبدی بیگ شیرازی از نقاشی های ایوان چهلستون قزوین و بناهای شاهی ، این صحنه‌ها را از نظر می گذرانیم :

وصف ایوان از منظومه روضةالصفات :

نقش طرازنده در ایوان شاه  
گشت نگارنده به فرمان شاه  
ساخت به اندیشه آفاق سیر  
مردم و دیو و پری و وحش و طیر  
کرد به امر شه مانی قلم  
جمله نقوش و صور آنجا رقم  
شاه در آن قصر سلیمان عصر  
جنی و انس پیش بر اطراف قصر  
هر طرفش پر رقم و رنگ شد  
غیرت مجموعه ارتنگ شد  
کلك خطایی قلم سحرکار  
صد گل صد برگ نمود آشکار  
داد ز نیلوفر نیکو فرش  
همچو فلك هر طرفی زیورش  
کار گل و لاله برآمد به ابر  
از دل بیننده بر انداخت صبر  
ساخته صد شاخچه نقش از میان  
راه فرنگی زده اسلامیان  
صورت مرغان و درختان درو  
خیره شده دیده رضوان درو  
اژدر و سیمرغ به هم ساخته  
باز به بط پنجه در انداخته

۷ - برای اطلاع بیشتر رجوع شود به کتاب گلستان هنر تألیف قاضی احمد قمی . تصحیح سهیلی خوانساری - لغات و اصطلاحات فن کتاب سازی به کوشش مایل هروی .



یکی از نقاشی‌های دیواری عمارت چهلستون

مراد بیگ ، باغ حسین بیگ ، یوزباشی استاجلو ، باغ عبدالله خان اوستاجلو ، باغ قورچی باشی ، باغ غربیان ، باغ فرخ زاد بیگ ، باغ بهرام میرزا ، باغ شاه نعمت الله ، باغ قاجار و باغ مهین بانو سلطانم و نظایر آنها .

۶ - اصطلاحات و مناصب مانند : دیوانخانه ، دولخانه ، دارالسلطنه ، قورچی باشی و یوزباشی .

۷ - اسامی شخصیت‌ها نظیر : بهرام میراز ، مهین بانو ، فرخ زاد بیگ ، حسین بیگ یوزباشی استاجلو و عبدالله خان استاجلو .

۸ - حرفه‌ها مانند : زرکار ، زرنگار ، سرکار ، شیشه‌ساز ، صورتگر ، کوه‌پرداز ، کوهکن ، معمار ، منبت کار ، منشی ، مهندس و نقاش .

شکل هنر برش ز سر گاو گنج  
 شعله بر آرد ز دل کار سنج  
 هر طرف از خامه وری ذوفنون  
 عالم دیگر ز دو عالم برون  
 شد صدف چرخ پر از لاجورد  
 تا به صد اندیشه درو جای کرد  
 صبح بیامیخت سفید آب خویش  
 در نظرش کار خود انداخت پیش  
 گشت معصفر شفق شامگاه  
 یافت به این رنگ در آن قبه راه ...  
 از ده و دو پنجره اش روشنی  
 بر کوه و دو برج فلک مبتنی  
 بر سر هر پنجره جامی چو مهر  
 سرخوش از آن جام شده نه سپهر  
 دیده ازاره ز رقم بند روم  
 آمده اندر خور هم برگ و بوم  
 برگش از آسیب خزان در امان  
 بوم وی ایمن ز حدوث زمان  
 لاله و نیلوفر و گل بی شمار  
 طرفه جهانیت همیشه بهار  
 جانور وحشی او انس جوی  
 آهوی تازنده او مشکبوی  
 شیر شکوهنده او بی ضرر  
 کرده درو عدل شهشه اثر  
 رنگ و پلنگ از ره هم خانگی  
 بسته درو وحشت و بیگانگی  
 باز و بطش گشته معانق بهم  
 از در و سیمرغ موافق به هم ...<sup>۸</sup>

در مثنوی دوحه الازهار ، عبدی بیگ شیرازی پس از ذکر مقدمه‌ای در توحید و ثنای پیامبر و ائمه و دعای دولت شاه تهماسب ، به وصف دارالسلطنه جعفرآباد و خیابان و باغ سعادت آباد و خیابان‌های آن و ایوان‌های کاخ و باغات شرقی و غربی و خانه شیروانی پرداخته اطلاعات دقیق و جالبی از موقعیت هر یک از آنها و شیوه‌های طراحی آنها می‌دهد سپس به توصیف مجالس نقاشی دیوارهای کاخ می‌پردازد و این توصیف شامل سقف زرنگار و ستون‌های رفیع و در شمشاد منقش آغاز شده به دیوارها می‌رسد و تصویری زیبا از آن نقش‌های بدیع در برابر دیدگان انسان قرار می‌دهد که در عین حال شامل اطلاعاتی از سبک و تکنیک نقاشی‌ها نیز هست :

در و دیوارش از جنت نمونه  
 ز شاخ و برگ و مرغ گونه گونه

ز اسلامی فرنگی رفته در تباب  
 گر آن خط خطا خورده بهر تباب  
 خطایی هر طرف بگشوده صد گل  
 هزاران مرغ روحش گشته بلبل  
 نشسته مرغ بر شاخ خطایی  
 تو گویی می‌کند دستان سرایی  
 ز فصالی هزاران فصل تصویر  
 نموده نوک کلک مملکت گیر  
 بری و آدمی اندر مقابل  
 یکی جان کرده یغما دیگری دل  
 به هر سو مانوی کلکی مهندس  
 رقم کرده یکی زینده مجلس  
 بهر جانب ز صورتهای شیرین  
 شده منسوخ صورتخانه چین<sup>۹</sup>

مجلس دوم مجلس نقاشی شیرین و فرهاد و کوه بیستون است . شیرین سواره به سوی بیستون رفته است جویی دلپذیر که بدست فرهاد ساخته شده صورت شیرین و خسرو را در آن منعکس می‌سازد . فرهاد به نوک تیشه تصویر شیرین را در سنگ خارا بر آورده است و در طرفی دیگر تصویری از شاپور و فرهاد و در جایی نیز تصویر کشتن شدن فرهاد از زخم تیشه نمایان است :

فضای کوه و جوی دلپذیرش  
 نمودار بهشت و جوی شیرش  
 ز یکسو جوی شیر اندر رو آرو  
 ز یکسو صورت شیرین و خسرو  
 به نوک تیشه فرهاد هنرور  
 نموده روی خسار را مصور  
 به روی سنگ از تمثال شیرین  
 زده از بهر خسرو فال شیرین ...

مجلس سوم تصویر شیرین و خسرو و چشمه آب است . شیرین درون چشمه بهشت و شو مشغول است و خسرو به تماشا ایستاده و از آن همه زیبایی انگشت حیرت به دندان دارد :

درون آب شیرین شکرخند  
 گلاب ناب را پیموده بر قند  
 تنی از لطف چون گل‌های گلشن  
 درون آب آتش کرده پیوند  
 درون آب آن خورشید آفاق  
 چو نقش دلبران در چشم عشاق

۸ - مثنوی روضة الصفات صفحات ۲۹ ، ۳۰ ، ۳۱ ، ۳۲ «

۹ - دوحه الازهار صفحه ۶۹ .

به تن شبگون پرندش خاطر افروز  
 شب قدر آمده با روز نوروز<sup>۱۰</sup>  
 مجلس چهارم مجلس بزم است :  
 بتان ماه روی حور پیکر  
 به هم آمیخته چون شیر و شکر  
 رفیقان برخلاف اهل عالم  
 نشسته تا قیامت شاد با هم  
 نشسته خوبرویان دلاویز  
 چو مهر یار در دل عشرت انگیز  
 مجلس پنجم : تصویری است از شکارگاه :  
 مصور صورت نخجیر پرداخت  
 بدانگونه که نتوان مثل آن ساخت  
 ز سیر و نیم سیر رنگ نخجیر  
 بهم آمیخت گویی شکر و شیر  
 پلنگان را نموده پشت پر خال  
 نموده نقطه ریزی مرد رمال  
 بهر جانب ز روباهان روسی  
 برای تزیان برگ عروسی  
 بهم گور و گوزن و شیر همدوش  
 ز قصد یکدگر گردیده خاموش  
 مجلس ششم تصویری است از جوانان زیباروی در حال  
 جوگان بازی :

دگر يك جایگاه گوی بازی  
 بتان جوگان به کف در رخس تازی  
 بتان در گوی بازی شاد و خرم  
 هلال آسا به جوگان باختن خم  
 هلالی غنبدان کشور آرای  
 به جوگان گوی را بر بوده از جای  
 مجلس هفتم تصویر باغی است که جوانان در آن بهسیر  
 و گشت مشغولند :  
 ز یکسو نقش باغ و شکل بستان  
 بت گلچهره در سیر گلستان  
 بهار و سبزه و سرو و لب جوی  
 نشاط انگیز از خوبان دلجوی  
 هشتم : تصویری است از زلیخا و زنان مصر که هر یک  
 نارنجی در دست دارند و درحالی که محو جمال یوسف شده اند  
 دست خود را به جای نارنج بریده اند :  
 یکی زبینه مجلس ساز داده  
 بتان مصر را آواز داده  
 به آئین پری خنوانان ساحر  
 پری رویان مصری کرده حاضر

به دست هر یکی تیغ و ترنجی  
 چو خود طالع شده یوسف ز کنجی  
 پری رویان مصر از حسن طالع  
 شده حیران خویش از روی واقع  
 گشاده چشم و لبها جمله خاموش  
 بدینسان تا قیامت مانده بیهوش  
 ترنج و تیغ اندر مشتم سیمین  
 قلم کرده به تیغ انگشت سیمین  
 نهم : مجلس رزم است ، قزلباشان و رومیان ، یکی با  
 پرچم و کلاه سرخ و دیگری با کسوت سفید ، دسته ای با سلاح  
 سرد و دسته دیگری با سلاح گرم به کارزار مشغولند :  
 ز يك سو تاجداران صف کشیده  
 به فرق از تاجشان گلها دمیده  
 ز کسوتهای رومی<sup>۱۱</sup> از دگر سوی  
 کدو زاری عیان کرده به هر سوی  
 علم با بیرق گلگون مصور  
 گل بستان فروز افراخته سر  
 چو گلبن جنگجویان کمر بند  
 کله خود پر ز خون غنچه مانند  
 نی نیزه چو خوبان کمر بند  
 درون سینه با جان کرده پیوند  
 شده تیر یلان از دل گذارا  
 به تیزی کرده ره در سنگ خارا  
 به نیزه ترکناز تاجداران  
 گریزان رومی از هر سو هزاران  
 مخالف با تفک افسرده بازار  
 به آه و اسپین او را سر و کار  
 تصویر دهم شکارگاه دیگری است . سواران با اسبان  
 ابلق و کمیت و گلگون و شاهنگ بشکار گور و آهو و گراز  
 و خرس مشغولند .  
 تصویر یازدهم : نقش قیق اندازی است که یکی از بازها  
 و عملیات ورزشی دوران صفویه بوده است :  
 شده چوب قیق شمع از پی جمع  
 به گردش تیر چون پروانه بر شمع  
 پری رویان ز هر جانب کمان کش  
 پری از جمله ایشان عنانکش  
 تصویر دوازدهم نقش دیگری است از شکارگاه و سوارانی  
 در هیأت های گوناگون به شکار جانوران مشغولند :  
 دگر يك مجلس صید افکنانست  
 که جولانگاه صد چابک عنانست

۱۰ - همان اثر صفحه ۷۶ .

۱۱ - منظور از رومی همان عثمانی است :

ز هر جانب دوان چابك غناني  
 خدنگ افكن بت ابروكماني  
 يكي بر سبز خنكي آسمان وار  
 فروزان كرده چون خورشيد رخسار  
 به زير شهسواري ابلقي رام  
 چو شه كامد به كامش رخس ايام  
 جهانگيري كميتي را عنان گير  
 چو دست شاه باكلك جهانگير  
 به گلگوني بتي در جلوه ناز  
 نموده از شفق ماهي سرافراز  
 شاهنگي برو شوخي شب افروز  
 شب قدری صباحش روز نوروز  
 مهی بر نقره خنگی پرتو افكن  
 چو خورشیدی عیان از صبح روشن  
 سیه چشمان بر آهو رخس رانده  
 ز غمزه تیر بر آهو نشانده  
 هزاران گور و آهو درنگ و پوی  
 شكار افكن صف آرايان بهرسوی...

مجلس سیزدهم نقشی است در ایوان که شاه را در حال جنگ با گرجیان نشان می‌دهد در يك سو شاه قلعه دشمن را با سپاهیان در میان گرفته و در سویی عده‌ای با کمند از قلعه بالا می‌روند و در سویی دیگر قلعه فتح شده دیری در هم کوفته و راهبان اسیر شده‌اند و صلیب و صنم و ناقوس سرنگون افتاده :

کشیده صورت زیبا بهر برج  
 نمودار غزای شاه در گرج  
 کمند افکن دلیران جهان گير  
 ز چستی رخس گردون را عنان گير  
 به پنجه کرده برج و باره را پست  
 ز انگشتان کلید فتح در دست  
 بت و بتخانه را درهم شکسته  
 کشیشان را به خواری دست بسته  
 هجوم غازیان مملکت گير  
 بسوی کهنه دیر و راهب پير  
 کشیده پیر را از دیر بیرون  
 ز حل طالبع شده از طرف گردون...  
 پری رویان گرجی دست بر روی  
 نموده رو سوی شاه از همه سوی  
 دوان هر گوشه شیران صف آرای  
 برون آورده گبران را زهر جای...

در میان شرح و توصیف نقاشیها ، شاعر به ایوان‌های شرقی و شمالی کاخ شاهی و گچ بریها و تزئینات زیبای آنها نیز

که در نقشهای اسلیمی و خطایی و ابر است اشاره کرده و در گچ بریهای رنگین اشکالی که از کوه و آب جاری و جانورهای شکاری و شیر و گوزن و گاو و غزال و روباه و عقاب و شاهین و تذرو و کبک و دراج و بط به وجود آمده معرفی می‌کند:

بریده در کمال خوش نمایی  
 ز گچ اسلیمی و ابرو خطایی  
 نموده شکل کوه و آب جاری  
 درو با جانورهای شکاری  
 بهم شیر و گوزنش خاطر آرای  
 هژبر و گاو گنجش حیرت افزای  
 پلنگ و رنگ در رنگ زد و گير  
 بهم آمیخته چون شکر و شیر  
 غزالان چون سیه چشمان چینی  
 همه در عین لطف و نازنینی  
 ز بازی مست روباهان روسی  
 چو ارباب طرب روز عروسی  
 عقاب و باز و شاهین بهر تاراج  
 زده راه تذرو و کبک دراج  
 کلنگ از چنگ شاهین مانده در تاب  
 نموده خویش را از اوج پرتاب  
 عقاب از زلف مشکین عشرت افزای  
 تذرو از بال رنگین شعله آسای...

با اینکه عبدی بیگ شیرازی صحنه‌های نقاشی عمارات شاهی به خصوص عمارت چهل ستون را با دقت و مهارت نشان داده است ولی نامی از نقاشان و استادان هنرمند نمی‌برد و تنها در فصلی از کتاب دو حقه‌الآزهار تحت عنوان: «صفت فن تصویر و اشعار به تعریف دست و قلم شاه جهانگیر» اشاره می‌کند که این مجلس‌های تصویرکار هنرمندان سحر آفرینی است که به دور پادشاه که خود در فن تصویر بی‌مانند است گرد آمده‌اند:

بدین ترتیب مجلس‌های تصویر  
 که وصفش ناید از خوبی به تقریر  
 هنرمندان سحر آئین کشیده  
 ز نوک خامه جان در تن دمیده  
 به دور شاه این فن شد جهانگیر  
 که بی‌مثلست خود در فن تصویر  
 هنرمندان که گرداگرد اویند  
 درین فن يك به يك شاگرد اویند  
 به عهدش صدچو بهزاد آمدورفت  
 دو صدشاپور و فرهاد آمدورفت...  
 هر آن نقشی که کرده بر جریده  
 قلم بر صورت مانی کشیده

ز حیرت کو قلم را رانده در کار  
 هنرمندان نشسته رو به دیوار  
 در آن دم کو کند نقاشی آغاز  
 قلم از پر جبریش شود ساز ...  
 کشد هر گاه نقش چشمه بر سنگ  
 فزاید حیرت مانی و ارژنگ ...  
 کشد چون مرغ را در مجلس جمع  
 برد آن مرغ چون پروانه بر شمع ...

بنابراین مشخص می‌گردد که شاه تهماسب در هنر نقاشی مهارت داشته و هنرمندانی که در بارگاه او جمع آمده بودند در تربیت همه آن مجلسهای تصویر شرکت داشته که نام بعضی از آنها از خلال اسناد آن زمان معلوم می‌گردد.

قاضی احمد قمی مورخ و نویسنده معروف زمان شاه تهماسب در کتاب «گلستان هنر» که به شرح حال هنرمندان اختصاص داده است شاه تهماسب را تصویرگر بزرگی می‌داند که چند مجلس از نقاشی‌های ایوان چهل ستون قزوین از کارهای او است از جمله مجلس یوسف وزلیخا و نارنج‌بری زنان زیبای مصر و این بیت نیز در آن صحنه نقاشی از اوست:

مصریان سنگ ملامت بر زلیخا می‌زنند

حسن یوسف تیغ گشت و دست ایشان را برید<sup>۱۲</sup>  
 اسکندربیک ترکمان مؤلف عالم‌آرای عباسی می‌نویسد:  
 «آن حضرت شاگرد استاد سلطان محمد مصور بوده طراحی و تراکت قلم را به مرتبه کمال رسانیده بودند. در آغاز جوانی ذوق و شغف بسیار به این کار داشتند و استادان نادره کار این فن مثل استاد بهزاد و استاد سلطان محمد که در این فن شریف طاقتند و در تراکت قلم شهره آفاق و در کتابخانه معموره کار می‌کردند.

آقای میرک نقاش اصفهانی که از اکابر سادات آنجا بود در این فن منفرد انیس خاص و مونس بزم اختصاص آن حضرت با این طبقه الفت تمام داشتند هرگاه از مشاغل جهانداری و ترددات مملکت آرایبی فراغی حاصل می‌شد به مشق نقاشی تربیت دفاع می‌کردند<sup>۱۳</sup>».

استاد کمال‌الدین بهزاد سرسلسله نقاشان مکتب هرات که شاه تهماسب بکارهای او باعلاقه فراوان می‌نگریست در سال ۹۱۶ هجری قمری که شاه اسمعیل هرات را فتح کرد با بعضی از هنرمندان مثل میرک و حاجی محمد و قاسم‌علی به همراه پادشاه به تبریز رفت و ریاست کتابخانه شاهی به او واگذار شد و سپس مورد توجه شاه تهماسب قرار گرفت و شاگردان بسیاری چون خواجه عبدالعزیز و استاد مظفر علی سرآمد تربیت کرد. به‌نوشته اسکندربیک ترکمان مولانا مظفر علی نقاش «که بقلم موی شکاف چهره گشای صور اهل انصاف است نسبت خویشی

به استاد بهزاد دارد و در خدمت او کسب هنر نموده به مرتبه کمال ترقی رسید و جمعی از استادان نادره کار و چهره‌گشایان بدایع‌نگار او را در این فن بی‌عدیل مسلم می‌دانستند. مصور خوب و طراح بی‌عدیل بود، تصویرات دولتخانه همایون و مجلس ایوان چهل ستون طراحی مشارالیه و اکثر نگارش ارقام زرین‌فام اوست. بعد از واقعه‌های پل‌شاه جنت‌مکان برصحیفه هستی طرح ممت انداخت<sup>۱۴</sup>».

از اینکه استادان دیگری در نقش‌پردازی کاخ چهلستون دخالت داشته‌اند اطلاع دیگری نداریم اما مسلم می‌نماید که میرزین‌العابدین که استاد دیگر شاه تهماسب بوده و نقاشی خوب و مجلس‌ساز و مصوری بی‌قرینه بوده و شاگردانش کارخانه نقاشی دایر ساخته و کار می‌کردند، و استاد صادقی بیگ افشار متخلص به مجلسی که ملازم شبانه‌روزی استاد مظفر علی طراح بسیاری از نقشهای چهل ستون بوده، و «مولانا عبدالجبار استرابادی که کارگاه نقاشی داشته، اعیان و اکابر به صحبتش رغبت نموده فرصت کارش نمی‌دادند»، و پسرش خواجه نصیر که در خدمت حسین بیگ یوزباشی سرکرده سلطان حیدریان قزوین بوده، و سیاوش بیگ که نقش سپاه و کوه‌پردازی او را کمتر کسی داشت، و مولانا شیخ محمد سبزواری که در رنگ‌آمیزی بیکه صورت دم از یکتایی می‌زد و صورت فرنگی در عجم او تقلید نمود و شایع ساخت و کسی بهتر از او گونه‌سازی و چهره‌پردازی نکرد» و جمله در عداد نقاشان مشهور زمان شاه تهماسب بوده‌اند و شاه آنها را از اطراف و اکناف کشور جمع کرده بود در آفرینش‌های هنری عمارات شاهی قزوین بی‌تأثیر نبوده‌اند.

۱۲ - قاضی احمد قمی: گلستان هنر تصحیح سهیلی خوانساری صفحه ۱۳۸.  
 ۱۳ - عالم‌آرای عباسی: اسکندربیک ترکمان تصحیح ایرج افشار صفحه ۱۷۴.  
 ۱۴ - همان اثر صفحات ۱۷۵ و ۱۷۶.